

بررسی علل و عوامل ارتکاب جرم و راهبرد پیشگیری از آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

نریمان فاخری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرج

عبدالرضا حاتمیان^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

زمینه و هدف: جرم یکی از پدیده های مجرمانه شایع که همه ی جوامع بشری از گذشته تا به حال با آن درگیر می باشند، هر چند در مورد موضوع جرم نظریات و مکاتب مختلفی نسبت به چگونگی شکل گیری مطرح و سیاست گذاری های مختلفی در خصوص کیفیت واکنش نسبت به آن صورت گرفته است، اما همچنان به عنوان مهمترین پدیده ی ضد اجتماعی جوامع بشری را تهدید می کند، لذا باید راهکار های اندیشیده شود که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی شود و با ریشه ها و علل پیدایی جرم مبارزه کند از این رو برخی به دنبال اقدامات پیشگیرانه و راه حلی برای کاهش جرم از جامعه بشری و از طرف دیگر غالب نظریه های جرم شناسی به دنبال راهی برای از بین بردن و ریشه کن کردن جرم مطرح گردید. هدف تحقیق حاضر اهمیت استفاده از مباحث و دانش علم جرم شناسی و روانشناسی در پیشبرد مباحث حقوقی و ضرورت نگاه جامع و کامل در بحث نظام کیفری و اتخاذ رویکرد های پیشگیرانه بر کاهش جرم و استفاده از صاحب نظران و متخصصان که در زمینه پیشگیری از جرم تلاش کرده اند.

هدف اصلی: با انجام این پژوهش می توان کاستی های موجود در قانون کیفری مصوب ۱۳۹۲ در زمینه پیشگیری از جرم را رفع کرد.

روش: پژوهش حاضر که برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده است، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که داده های آن به روش کتابخانه ای

^۱ نویسنده مسئول

از اسناد و قوانین و مقررات مرتبط با موضوع جمع آوری شده.

یافته ها و نتایج: برای مبارزه با پدیده جرم دو گزینه قرار دارد؛ اول رویکرد سنتی سرکوب و مجازات برای مرتکب است که این کار با شدت عمل و از طریق سیستم عدالت کیفری (پلیس و دادگاه) انجام می شود، که این رویکرد به خاطر ناتوانی در حل مشکل جرم نتوانسته کارآیی خود را نشان دهد و دوم رویکرد پیشگیری از جرم است که به دلیل آسیب شناسی مسئله و علل جرم و ارزیابی راهکارهای پیشگیرانه به بررسی جرم و تدبیری برای کاهش و حذف موقعیت های ارتکاب جرم می پردازد.

واژگان کلیدی: ارتکاب جرم، رفتار مجرمانه، راهبردهای پیشگیری

مقدمه

یکی از مباحث اصلی حقوق کیفری بحث جرم و اعمال مجرمانه و راهکار مقابله با آن می باشد. جرم، پدیده‌ای اجتماعی-انسانی است که همه جوامع بشری از دیرباز با آن روبه رو بوده‌اند، همگام با رخداد بزه و جرم، امر پیشگیری از جرم نیز مطرح می شود. پیشگیری از جرم، راهبرد اصلی سیاست جنایی برای مهار و مدیریت مسائل مجرمانه (نیازپور، ۱۳۸۷) است که قبل از رخداد یک بزه به کار گرفته می شود، یا راهبردی اساسی درحوزه کنترل اجتماعی است که در بردارنده-ی مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم با هدف ایجاد امکانات و موقعیت بازدارنده از وقوع جرم و کج روی طراحی می شود، از این رو پیشگیری از جرم، جزئی از روش های غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم پیش بینی و تدارک می شود و هدف آن تحدید موقعیت های ارتکاب جرم است (غضنفری، قاسمی کیا، ۱۳۹۴). چرا که جرم و اعمال مجرمانه و مباحث مرتبط با آن، جزء مباحث پیچیده ی حقوق جزا می باشد که تفاوت نظر اندیشمندان حقوقی حتی در تعریف جرم گواه این مطلب است و تبیین ارکان، شرایط، حدود نیز به تبع تعریف آن، دستخوش اختلافات جدی است، اما حتی با وجود این اختلافات، کلیه اندیشمندان

در این مورد که در شرایط فعلی حقوق جزا، لازمه ی اعمال مجازات به مجرمین ضروری است، با یکدیگر اتفاق نظر دارند. بدیهی است اگر فردی فاقد شرایط اساسی باشد، به هیچ وجه نمی توان نسبت به او مجازاتی را اعمال نمود. بنابراین زمانی می توان مرتکب را مسئول عمل مجرمانه قلمداد کرد که میان فعل مجرمانه و مجرم یک رابطه ی علت، معلولی وجود داشته باشد. یکی از ضرورت های پیشگیری عادلانه به ویژه در کشورهایی که از سیاست جنایی مردم سالار برخوردارند، عدم تضییق حقوق و آزادی های افراد به بهانه پیشگیری از جرم است، امری که از یک سو در توسعه فضای آزاد و کاهش فضاهای کنترل شده تبلور می یابد و از سوی دیگر، شکل گیری راهبردی سنجیده دولت های کرامت مدار که در قالب تدابیر اجتماعی، جهت پیشگیری از جرم تبیین می شود. همه جوامع به شیوه های مختلف کنترل جرم را جهت تأمین امنیت، نظم اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری متوسل می شوند، اما در عرصه مدیریت آن و ایجاد تعادل میان مفاهیمی همچون کرامت انسانی، حقوق بشر، آزادی، آسایش عمومی و مانند آن همواره چالش هایی فراروی متولیان سیاست جنایی بوده است، بی تردید اولویت های پیشگیری بر حسب محل و بستر اجرای آن متفاوت خواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۳).

بخش اول: بررسی تعاریف اولیه

بند اول: جرم (Crime)

در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده و از جرم به ذنب، اثم، سیئه، عصیان و عصیت نیز تعبیر می شود. جرم در اصطلاح اعمال مجرمانه ایست که دارای یک مفهوم مبتنی و علم حقوق و علوم اجتماعی است و رفتاری تلقی می شود که حالات قوی و مشخص وجدان جمعی را جریحه دار می کند. بنابراین قانونگذار با تقید به فرهنگ و آداب و رسوم و نیز ملاحظات سیاسی برای آن مجازات تعیین نموده است (جانی پور و لادمخی، ۱۳۹۳). به عبارتی دیگر طبق قانون، جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. از منظر صاحب نظران، هر کنشی مخالف با نظم اجتماعی یا عملی مخالف ضوابط ارزش های یک جامعه همیشه عنوان جرم نمی باشند، بلکه وقتی جرم محسوب می شوند، که مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای آن ها منظور شده باشد و در

غیر این صورت اعمال ضد اجتماعی که نام جرم در مفهوم قانونی آن نمی باشد جرم محسوب نمی گردند، زیرا جرم شامل عملی است که به احساسات قوی جمعی آسیب وارد می کند (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲). در همین راستا دور کیم می گوید: هر عملی که در خور مجازات باشد، جرم است. یعنی هر فعل یا ترک فعلی که نظم و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد «جرم» محسوب می شود. به نظر ایشان ما کاری را به خاطر جرم بودن محکوم نمی کنیم بلکه از آن جایی که آن را محکوم می کنیم جرم تلقی می شود. از نظر حقوقی نیز «جرم عملی است که برخلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او بر خلاف قانون رسمی کشور باشد» (صناعی، ۱۳۴۱). در نظام کیفری ایران به موجب «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» تنها عملی جرم محسوب می شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. در حالی که جرم شناسی افزون بر جرم قضایی، به بررسی ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی نیز می پردازد و تلاش برای یافتن علت، عامل، جنبه های روانشناختی و یا انگیزه وقوع جرم و شخصیت بزهکار توجه دارد، در همین راستا دانشمندان علم جرم شناسی توجه خاصی بر روی علت دارند و به گونه ای که علت را سبب و آفریننده جرم می دانند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲).

بند دوم: پیشگیری (prevention)

واژه ی پیشگیری از لحاظ لغوی به معنای «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و هم چنین «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است (عمید، ۱۳۸۹)، و در اصطلاح مفهوم متداول آن به بکار گیری اقداماتی و تدابیر کیفری به منظور ممانعت از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرمان یا سایر افراد جامعه بوده و در جوامع بشری برای مقابله با جرم و جنایت همراه مجازات به کار گرفته می شود. در جرم شناسی پیشگیری در معنی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» آن مورد استفاده قرار می گیرد، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع جرم به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. هم چنین مخاطب قراردادن جمعیت یا بعضی از

اشخاص که به علت عدم رعایت بعضی از اقدامات حمایتی در معرض خطر هستند از مصادیق آگهی دادن است (اکبری، ۱۳۸۰).

تلاش های زیادی توسط جرم شناسان برای تعریف پیشگیری از جرم انجام گرفته است، ولی در عین حال هنوز توافق روشن و صریحی در این زمینه به دست نیامده و جرم شناسان همچنان هشدار می دهند که در خصوص وجود درک و تعریف واحد و توافق در مورد پیشگیری از جرم باید احتیاط کرد؛ حتی به نظر می رسد در مورد این که آیا مفهوم پیشگیری از جرم صرفاً بر اقدامات غیر کیفری مؤثر بر کاهش جرایم اطلاق می شود و یا این که شامل تأثیرات نظام عدالت کیفری بر فرایند بزهکاری نیز می شود، اتفاق نظری وجود ندارد. بنابراین امروزه وقتی از پیشگیری از جرم سخن گفته می شود، مقصود از آن مجموعه فعالیت ها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می شود و با ریشه ها و علل پیدایی جرم مبارزه می کند.

بخش دوم: بررسی اجمالی پیشینه تحقیق

علیوردی نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان مدیریت پیشگیری از جرم ایران به بررسی راهبردهای اساسی کنترل از جرم و موقعیت های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی ها ناشی از اعمال مجرمانه می پردازد.

جمشیدی اونکی (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان خودکنتری و پیشگیری از جرم، ویژگی خودکنتری را مطرح و هدف اصلی از پیشگیری را قوی ساختن درون افراد برای بالا بردن آستانه تحمل و مقاومت در برابر عوامل هیجانی جرم زا و کنترل آنها می پردازد.

نیازپور (۱۳۹۳) در مطالعه ی باهدف اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم، پیشگیری را راهبردی اصلی سیاست جنایی برای مهار پدیده مجرمانه دانست که اهمیت این راهبرد آنچنان است که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی یعنی در قانون اساسی پیشبینی و به رسمیت شناخته شده است و همین سیاست، سبب شده تا موجبات اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم فراهم شود.

اسماعیلی و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان پیشگیری از جرم در قانون اساسی به بررسی پیشگیری از جرم دذر قانون اساسی می پردازد، و بیان

می دارد که قوانین و مقررات در یک نظام کیفری ابزار یک سیاست جنایی را تشکیل می دهند و تدابیر مبارزه با بزهکاری و انحراف و پیشگیری از آن در قوانین و مقررات جلوه می کند، از این رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصول راهبری در بخش های مختلف بهره جسته است، پیشگیری از جرم یکی از مقولاتی است که به صراحت در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران مورد توجه واقع شده است.

توسلی و صادقی (۱۳۹۴) در یک تحقیق با عنوان آموزه های اسلامی پیشگیری از جرم، پیشگیری را مجموعه اقدام ها و تدابیری می دانند که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می شود و با ریشه ها و علل پیدایی جرم مبارزه می کند و دراین میان نقش آموزه های اسلامی در سالم سازی محیط اجتماعی و سازمانی کاهش تخلف و جرم، و نیز جایگاه رویکردهای آموزه های اسلامی در برنامه پیشگیری از جرم و نظام حقوقی اسلام، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ساریخانی و سلطانی بهلولی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم به بررسی پیشگیری از ارتکاب جرم و تقسیم بندی پیشگیری می پردازد و نقش قوه مجریه طبق قانون اساسی مهم والزامی می دانند.

بخش سوم: مبانی نظری

پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در زندگی بشر بود، که در طول تاریخ به شیوه های مختلف اعمال گردیده است. در گذشته غالباً مجازات به عنوان تنها راهکار علیه جرم یا به تعبیر صحیح تر علیه مجرم تلقی می شد. به طور مثال در گذشته سلاطین ایران باستان برای جرم و پیشگیری از آن اهمیت ویژه ای قائل بودند، چرا که دوام و بقای حکومت آنها به تامین عدالت قضایی آنها بستگی داشت، اما با این وجود باز هم واکنش نسبت به اعمال مجرمانه در کلیه ی جوامع و زمان ها به یک شکل نبوده، وئرن ولتوته می نویسد: دستگاه عدالت تاپایان قرن ۱۸ تنها عملی که انجام می داد مجازات گنهکار با هدف عبرت دادن به دیگران و ایجاد رعب و هراس در اجتماع بود، زیرا تصور می شود که شکنجه و مجازات های شدید می تواند باعث ترس و وحشت و پیشگیری از جرم

در اجتماع گردد. این گونه سیاست پیشگیری از جرم توام با انتقام در ملاء عام بودو همراه با تبلیغات و توام با خشونت بسیار در برابر دیدگان مردم انجام می گرفت (وونن و لئوته، ۱۹۵۶). اگر چه طرفداران مکتب کلاسیک در اواخر قرن ۱۸ علیه مجازات های غیر انسانی و شکل دلخواه و اختیاری تعیین مجازات ها، اعتراض و انتقاد نمودند اما به عقیده ی بکاریا که از بنیان گذاران مکتب کلاسیک است، پیشگیری از جرایم بهتر از کیفر دادن است و راحل هایی نیز برای پیشگیری غیر کیفری ارائه نموده است (بکاریا، ۱۳۸۰). با تحول جوامع، نیم سده بعد دیدگاه های جدیدی ظهور کرد که در آن شخص مجرم مورد توجه قرار گرفت. با گذاشت دوره کلاسیک و تولد مکتب تحقیقی، تغییر رویکردی در جرم شناسی پدید آمد، که در این مکتب برای پیشگیری از وقوع جرم، به مبارزه با علل و عوامل جرم تاکید می شود و برای جلوگیری از تکرار جرم و دفاع اجتماعی، به شناسایی حالت خطر ناک و اعمال اقدامات تامینی و تربیت مناسب اهمیت داده می شود. به طور کلی بنیان این مکتب جرم و اعمال مجرمانه را یک بیماری اجتماعی تلقی می کردند و معتقد بودند که مجازات عکس العمل اجتماعی در برابر جرم است و باید وسیله ی دفاع جامعه علیه جرم باشد. طرفداران این مکتب با ادعای پیروان مکتب کلاسیک مبنی بر وجود اختیار و اراده ی انسان در ارتکاب جرم مخالف بودند و اعتقاد داشتند که جرم، نتیجه ی عوامل درونی و بیرونی است؛ عوامل درونی متاثر از وضع مزاجی و وراثت است و عوامل بیرونی هم از محیط اجتماعی و فیزیکی کسب می شود. مکتب تحقیقی اثباتی و طرفدارانش معتقد به عدم آزادی اراده ی انسان در انجام اعمال خود است و نتیجه گرفتند، که موضوع اخلال نظم عمومی و مسولیت اخلاقی مجرم منتفی است و به جای آن باید به میزان خطری که مجرم برای جامعه دارد توجه کرد و بر اساس میزان و درجه ی حالت خطرناک مجرم تدابیری پیش بینی کرد، تا جامعه از این حالات مجرمانه در امان باشد (رجبی تاج امیر و چاووشی، ۱۳۹۷).

انریکو فری^۱ (۱۸۹۳) که از بنیانگذاران مکتب تحقیقی بود در کتاب خود تحت

^۱ - Enrico ferri

عنوان "افق های نوین حقوق کیفری" خواستار تجدید نظر در حقوق کیفری و توجه به نحوی مبارزه با بزهکارشد، ایشان با بی اثر دانستن کیفر ها از نظر پیشگیری عمومی به ارائه برنامه ی وسیع اقدامات پیشگیرانه پرداخت و با پیشنهاد تدابیر سرکوبگر و قهرآمیز در محدوده ی نظام کیفری و اعمال تدابیر پیشگیرانه که در خارج از محدوده نظام کیفری مخالفت کرد و ضرورت استفاده از راحل های پیشگیری غیر قهر آمیز و با ماهیت تربیتی، اجتماعی، اقتصادی برای پیشگیری از جرم یاد آور شد، که این پیشنهاد مبنای ظهور شاخه ای در جرم شناسی تحت عنوان جرم شناسی پیشگیری گردید.

بخش چهارم: بررسی و شناخت ارکان جرم

روشن است که تعریف جرم و شناخت مصادیق آن کار آسانی نیست، ماهیت یا چیستی جرم در علوم انسانی از طریق تعریف مفهومی آن شناخته می شود؛ اما در حقوق کیفری که اساس آن قانون کیفری است، فراینده شناخت ماهیت جرم به همان تعریف قانون از جرم ختم می شود. حقیقت این است که هنگامی می توان عملی را مصداق جرم دانست که عنصر قانونی، مادی و روانی در آن موجود باشد که در زیر به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

بند اول: رکن قانونی

وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد، بنابراین تحقق جرم منوط به نص صریح قانون است، یعنی این که عمل ممنوعه در قانون پیش بینی شده باشد. این مطلب بیانگر یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا یعنی همان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات است. که این بدان معنی است که هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه در قانون برای آن مجازات پیش بینی شده باشد. این اصل از یافته های مکتب کلاسیک ناشی می شود و اصل قانونی بودن در ایران نخستین بار در سال ۱۳۲۵ در قانون اساسی پذیرفته شد، که این اصل شرایط لازم برای تحقق جرم اما شرط کافی نیست، زیرا باید عنصر معنوی و عنصر مادی نیز وجود داشته باشد.

بند دوم: رکن مادی

عمل خارجی انسان است و شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه است. عنصرمادی را پیکره جرم نیز می نامند و آن را قالبی می پندارند که

اراده ارتکاب جرم در آن متجلی می شود. هر جرمی الزاماً باید دارای عنصر مادی باشد، به عبارت دیگر کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله آن آشکار شود، برای مجازات لازم است. به عبارت دیگر، گاهی اوقات فکر شومی در ذهن شخصی شکل می گیرد و وی سوء نیتی نسبت به دیگری پیدا می کند، اما تا هنگامی که اندیشه او جامعه ی عمل نپوشد و فعل مادی رخ ندهد خطری کسی را تهدید نمی کند. از این رو به صرف تصورات شوم افراد نمی توان آنها را مجازات کرد. بنابراین باید گفت چنانچه فعل یا عمل خارجی نیت مجرمانه ی شخصی را نشان دهد، عنصر مادی جرم شکل می گیرد.

بند سوم: رکن روانی

عنصر معنوی با فعل مرتکب و از روی اراده و قصد و سوء نیت مجرمانه به وجود می آید که افزون بر رفتار مجرمانه باید علم و آگاهی مرتکب و نیز قصد در ارتکاب رفتار مجرمانه را احراز نمود؛ چرا که عنصر روانی جرم وضعیت ذهنی مرتکب نسبت به عملی را که انجام می دهد، به اقتضای آن شخص قابلیت سرزنش پیدا می کند و لازمه قابل مجازات بودن مرتکب در مقابل غیر خود، داشتن همین عنصر روانی می باشد. از این رو رفتار مرتکب باید علاوه بر قصد مجرمانه از اراده وی ناشی شده باشد و درواقع باید میان عمل و مرتکب، رابطه روانی وجود داشته باشد؛ بنابراین رفتارهایی که خارج از اراده مرتکب واقع شود مسئولیتی را در پی نخواهد داشت (گلدوزیان، ۱۳۹۶).

بخش پنجم: بررسی و تحلیل حقوقی عوامل جرم زا

عوامل زیادی در بروز جرم می توانند تاثیر گذار باشد که میزان اهمیت هر یک از این عوامل در جوامع گوناگون به دلیل وجود تفاوت های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوت هست. این عوامل سه دسته اند؛

بند اول: عوامل فردی از قبیل؛ جنس، سن، اندام یا سایر جنبه های زیستی

افزایش آمار و کاهش سن ارتکاب جرم و جنایت موضوعی است که این روزها اکثر کارشناسان و چه بسا شهروندان را به خود مشغول کرده است. افزایش میزان پرونده های ورودی به دستگاه قضایی که خود تبعات چالش زایی چون اطاله

دادرسی، بی اعتمادی و نارضایتی مردم را به همراه دارد سالهاست به عنوان یک معضل مطرح است و بارها و به کرات نسبت به سیر صعودی این پدیده ناهنجار در جامعه ما هشدار داده شده است. نگاهی کارشناسانه به پدیده مجرمانه نشان دهنده این مطلب می باشد که پیشگیری بهتر از درمان است. بدین معنی اقداماتی که در جامعه برای مبارزه با علل بزهکاری قبل از وقوع جرم صورت می گیرد چون موجب می گردد که افراد کمتری به طرف بزهکاری کشیده شوند. پژوهش ها نشان می دهد بسیاری از بزهکاران در دوره نوجوانی، ویژگی های تحصیلی خاصی دارند و مشکلات هیجانی خاصی را تجربه می کنند و ناتوانایی های یادگیری یا نقص در یادگیری دارند (ریلی و همکاران، ۱۹۸۵) به همین دلیل سطح هوشی و پیشرفت تحصیلی بزهکاران نوجوان را با طبقه بندی آموزشی خاصی مقایسه کردند که از نظر هیجانی، آشفته و از لحاظ آموزش پذیری ناتوان در یادگیری هستند، زیرا نوجوانان بزهکار هیجان خواهی بالاتری دارند اما از عزت نفس پایین برخوردار هستند (شکرکن، نیسی و سپه وند، ۱۳۸۸).

الف) تأثیر جنسیت

نگاهی به جمعیت زندان ها و آمار زندانیان مرد و زن در کشورهای مختلف مؤید این حقیقت است که اختلاف بسیار فاحش بین تعداد مردان و شمار زنانی که برخی تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و محکومیت جزائی یافته اند وجود دارد. نویسندگان دلیل عدم حضور زنان در آمار و تحلیل های جرم شناختی را محصول طرز تفکری می دانند که در دوران قدیم نسبت به آنها وجود داشته است. منازعه به خاطر وجود خشونت و جنایت در آن از جمله جرایم مردانه محسوب می شود و محل وقوع آن نیز بیشتر ملأ عام و خیابان ها می باشد. در مورد زنان، محل حادثه بیشتر منازل و زمینه ایجاد آنها عمدتاً اختلافات خانوادگی می باشد. با این وجود، موارد منازعه زنان در خیابان ها نیز دور از انتظار نیست، که دلیل آن می تواند حضور گسترده تر زنان در عرصه های اجتماعی باشد. در گذشته به خاطر محدودیت ها و بیشتر حجاب و حیای زن بودن، اینگونه درگیرها در منظر عموم توسط زنان، کمتر صورت می گرفت (حیسنی و صفری، ۱۳۹۴).

ب) تأثیر سن

سن مستقیم یا به طور غیرمستقیم، تأثیری عظیم و شگرف در فراوانی و شکل گیری جرائم دارد "کتله"^۱ دانشمند جرم شناسی بلژیکی دوران زندگی انسان را به ۴ مرحله تقسیم کرد است و بر اساس بررسی های آماری، شروع تبه کاری را از ۱۲ سالگی می داند که تا ۱۸ سالگی افزایش آن چندان محسوس نیست و از ۱۸ تا ۲۵ سالگی فعالیت جنایی فزونی می یابد و از ۲۵ تا ۳۰ سالگی رقم تبه کاری، باز هم بالاست. نوع تبه کاری هم بر حسب سن متفاوت است و سن افراد شرکت کننده در نزاع نیز متغیر می باشد، که دلیل آن تعداد زیاد افراد شرکت کننده در ارتکاب این جرم است که ممکن است از نوجوان گرفته تا سالمند در وقوع جرم مزبور شرکت داشته باشند ولی با این حال، بیشتر، جوانان و نوجوانان قربانیان اصلی این جرم هستند، زیرا به نظر می رسد که حس انتقام جویی و در نتیجه میزان درگیر شدن در نزاع در جوانان بسیار شایع تر از سنین بالاتر است.^۲

ج) تاثیر اندام

برخی زیست شناسان معتقدند؛ تعدادی از مردم به لحاظ آناتومی بدن ویژگی هایی دارند که در بین مجرمین مشترک است، این ویژگی های جسمانی می تواند چنین باشد؛ جمجمه غیر طبیعی، بینی پهن، گوش های بزرگ، لب های کلفت و گوشت آلود، آرواره بزرگ، گونه های استخوانی و برجسته و چشمان مغولی حتی برخی از زیست شناسان از نظر آناتومی بدن و نوع رفتارهای مجرمین ارتباطی را یافت کرده اند و جرم های ارتكابی هر تیپ را مشخص کرده اند؛

الف- بلند قد تنومند: جرم های ارتكابی این گروه بیشتر آدم کشی بدون تصمیم قبلی است.

ب- بلند قد باریک: جرم های ارتكابی این افراد آدم کشی با تصمیم قبلی است و بیماری روانی آنها معمولاً اسکیزوفرنی^۳ است.

ج- کوتاه قد تنومند: جرم های نظیر آدم کشی، تجاوز و دزدی ناموس مرتکب

^۱-Quetelet

^۲- مجله اینترنتی قانون، نقش سن در بزهکاری

^۳- یک اختلال روانی است که مرز میان خیال و واقعیت مخدوش می شود.

^۴- شاخه ای از علم پزشکی که به بررسی سیستم عصبی مرکزی و محیطی می پردازد.

می‌شوند، بیماری روانی آنان معمولاً جنون ادواری است و جرم‌های آنها آدم‌کشی، دزدی اموال و راه‌زنی است (رحیمی و بیدخام، ۱۳۹۰).

د) تاثیر جنبه‌های زیستی

عوامل زیستی رفتارهای مرتبط با جرم، عوامل ژنتیکی، تیپ بدنی، هورمونی و عصب‌شناختی هستند که به صورت زمینه‌ای شرایط اولیه رفتار جنایی را به وجود می‌آورند. علم جرم‌شناسی، ژنها از دو جهت بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد: نخست از طریق انتقال خصیصه‌ها و ویژگی‌های زیستی و دوم از طریق دگرگونی‌هایی که ممکن است در آنها ایجاد گردد که ژن‌های ضداجتماعی در تعامل با عوامل محیطی، خود را نشان می‌دهند و پژوهش‌های عصب‌شناختی، اشکالات ساختاری و عملکردی عمده‌ای را در بخش‌های پیشانی، گیجگاهی و زیرقشری در افراد ضداجتماعی آشکار کرده‌اند که این نتایج قویاً از طریق مطالعات نورولوژیکی^۲ آسیب مغزی در افراد ضداجتماعی حمایت شده‌اند (سیگل و ولش، ۲۰۱۴).

بند دوم: عوامل روانی از قبیل ترس، خشم پر خاشگری

در خصوص اختلالات روانی و تأثیر آن بر ارتکاب جرم، مطالعات زیادی صورت گرفته است و در اکثر این مطالعات مشاهده شده که ارتکاب به جرم در بیماران روانی نسبت به افراد عادی بیشتر است. در بعضی از این مطالعات تأثیر اختلالات روانی بر جرایم خشونت‌بار شایعتر گزارش شده است، به عنوان نمونه در مطالعه‌ای که در خصوص ۱۴۰ بیمار مبتلا به اختلال روانی که برای تعیین مسئولیت کیفری به بخش روانپزشکی پزشکی قانونی ارجاع شده بود، یافته‌های تحقیق حاکی است که از ۱۴۰ بیمار مورد بررسی بیشترین مجرمان را بیماران مبتلا به اختلال شخصیت تشکیل داده‌اند. شدیدترین جرائم را بیماران سایکوتیک به ویژه اسکیزوفرنی و اختلال هذیانی مرتکب شده بودند. همچنین شیوع جرم در این بیماران با جنس مذکر، مجرد بودن، عدم پذیرش درمان و سربار خانواده بودن ارتباط معنی‌داری داشت. در حالی که با عواملی مثل سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی خانواده، مصرف الکل و مواد مخدر، سابقه بروز جرم در بستگان نزدیک و طول مدت بیماری ارتباطی ندارد. شدت جرم فقط با نوع بیماری مرتبط بوده و ارتباطی با سایر عوامل ندارد و همچنین تعداد قابل ملاحظه‌ای از مجرمان دارای

اختلال شخصیت ضد اجتماعی که معمولاً اولین ریشه جرم زایی را در بیماران مبتلا به اختلالات روانی به خود اختصاص می دهند، مربوط به ارتکاب جرایم خشونت آمیز از ناحیه افراد مزبور است (بهرمند، ۱۳۹۸).

اختلال روانی عبارت است از شرایط روانی یا جسمانی ویژه ای که با بی سازمانی شخصیتی، ذهنی و هیجانی همراه است و به کارکردهای معمول روان یک فرد به سختی آسیب می رساند. به بیان دیگر؛ اختلال روانی عبارت است از ناخوشی ای که خود را به صورت تظاهرات روانی یا رفتاری نشان می دهد و موجب زجر و ناراحتی قابل ملاحظه ای می شود یا عملکرد شخص را مختل می کند، که علت آن می تواند اختلالات بیولوژیکی، اجتماعی، روان شناختی، ژنتیکی، بدنی یا شیمیایی باشد و ارزیابی آن براساس میزان انحراف از وضعیت طبیعی (نرمال) صورت می گیرد و هر بیماری علایم و نشانه های خاص خود را دارا است (گنجی، ۱۳۹۴). قبل از شناخت کلی برخی از بیماری های روانی که در مسئولیت کیفری فرد مبتلا تاثیر گذار هستند. ضروری به نظر می رسد که ابتدا ساختار و جهت گیری این تحقیق به صورت اجمالی مشخص گردد. در علم روانشناسی و روانپزشکی حوزه گسترده ای از عوارض و آسیب های روانی که به سیستم عصبی و روانی شخص صدمه وارد می نماید شناسایی شده و تقسیم بندی هایی با در نظر گرفتن سنخیت، شدت و نوع این بیماری ها از حیثیت علمی ضرورت پذیرفته که در بهره برداری بهتر از این دستاوردها می تواند رهگشا باشد. عوامل روانی یکی از موثر ترین ابزار در بروز خشونت در خانواده و جامعه است، چراکه عوامل روانی به اختلالاتی گفته می شود که در سلول های مغز و ریز ساختارهای مغز ایجاد و عملکرد آن را تحت تاثیر قرار می دهد. لذا رویکرد روانشناختی منبع خشونت را در شخصیت یا اختلالات روانی جستجو می کند و به طور کلی سبب ناراحتی های عصبی و در نتیجه کاهش آستانه تحمل افراد جامعه می شود و این وضعیت آنها را به سوی خشونت در خانواده و جامعه سوق می دهد، که یکی از عوامل مهم عدم کنترل رفتار عصبانیت و خشم است، که احتمال بروز رفتار نسنجیده برای فرد را به همراه دارد. خشم به منزله یک حالت هیجانی یا احساس درونی ناشی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و شناختی افکار مربوط به خصومت است و یا وضعیت

روانی که درجات تحریک را نشان می دهد (اونیل، ۲۰۰۶).

بند سوم: عوامل اجتماعی

تاثیر عوامل اجتماعی در ایجاد شخصیت بزهکار با توجه به عوامل فردی به عنوان زیر بنای شخصیت، از اعتبار بسیاری برخوردار است. عوامل محیطی همچون؛ مواد مخدر، بیکاری، فقر و عوامل فرهنگی مانند؛ ارزش ها و هنجارهای که در آن فرد رشد نموده از جمله عوامل انکار ناپذیر در ارتکاب جرم هستند، که در زیر به بررسی آنها خواهیم پرداخت (موذن زادگان و نوروزی، ۱۳۹۵)

الف) مواد مخدر

اعتیاد به مواد مخدر یکی از خطرات بزرگی است، که همه ی جامعه بشر امروزه در همه جای جهان با آن دست به گریبان است. امروزه اعتیاد یکی از معضلات بهداشتی، روانی و اجتماعی جهان است، طوری که در چند دهه گذشته بسیار فراگیر شده است. علل شیوع اعتیاد پیچیده و متعدد بوده و بنا به به ویژگی- های جوامع مختلف، تفاوت های قابل ملاحظه ای دارد. مصرف مواد و عوارض پر دامنه و ناخوشایند آن از مهمترین دغدغه های فکری و یکی از ناگوارترین آسیب های اجتماعی حال حاضر است. ارتباط مصرف مواد و رفتارهای اعتیاد آمیز با سایر انحراف ها و کژ رفتاری های از یک سو و از سوی دیگر پیوند ناگسستنی آن با مشکلاتی نظیر انواع جرم، فرار از منزل، پر خاشگری و خشونت در رفتارهای اجتماعی مانند؛ دزدی و ارتکاب بزه، اقدام به خودکشی و فحشا اشاره به اهمیت توجه دوباره و تعمق در این مسئله مهم دارد. ضرورت این تامل با در نظر گرفتن جمعیت جوان کشور بیش از پیش مطرح می شود، خصوصاً آن که در سال های اخیر مصرف مواد دیگر نه فقط در بزرگسالان بلکه در نوجوانان با سن کم نیز روبه افزایش است (طارمیان، ۱۳۸۸). سازمان های بین المللی و باندهای عظیم قاچاق مواد مخدر در همه جای جهان از جمله در نزدیک کشور عزیزمان ایران پایگاه هایی دارند و به تجارت اهریمنی خود که دومین تجارت پر سود دنیاست مشغول هستند. از منظر آسیب شناسی، اعتیاد در بین نوجوانان هر جامعه یک تهدید راهبردی و چندوجهی برای آن جامعه است، که متناسب با مقتضیات زمان یکی از چهره های آن برجسته تر از سایر چهره ها می شود، این آسیب نه تنها امنیت

فردی، بلکه امنیت هستی شناختی یا وجودی یک جامعه را نیز مورد تهدید قرار می دهد. زیرا درصد جمعیت جوان در ایران تا حدودی بالاست (حاتمیان و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۹۸). در این بین، آمار معتادان جوان رو به افزایش و سن آنان رو به کاهش است. طبقه آمار جهانی جوان بیش از میانسالان و سالخوردگان به اعتیاد گرایش یافته اند و متأسفانه مواد مخدر صنعتی، کراک و شیشه، تبدیل به متداول ترین مواد مخدر مورد استفاده آنان شده است. حقوقدانان و روانشناسان در چارچوب مطالعات نظری و تجربی نشان داده اند که رابطه مستقیم و معناداری بین ارتکاب جرم و اعتیاد وجود دارد.^۱

ب) نابرابری درآمدی

یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر جرم، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می گیرد. ازجمله عوامل اثرگذار برای ایجاد پدیده جرم می توان به نابرابری درآمدی اشاره کرد، زیرا نابرابری درآمدی بیان دهک های جامعه منجر به ایجاد فاصله طبقاتی شده و افراد دهک های پائین برای پرکردن شکاف طبقاتی از طریق عاملی روانی به نام حسادت دست به جرم می زنند. برای به دست آوردن این شاخص می توان از ضریب جینی یا نسبت هزینه های خوراکی و غیرخوراکی دودهک آخر نسبت به دو دهک اول به دست آورد (بختیاری، ۱۳۹۷).

پ) نرخ بیکاری

یکی از مهمترین و اثرگذارترین عوامل برای ایجاد جرم پدیده بیکاری است؛ زیرا بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و... می شود؛ البته برخی مطالعات وجود دارد که حاکی از عدم ارتباط یا ارتباط منفی بین بیکاری و جرم می باشد، اما آنچه که بدیهی است این است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که دارند، جستجو می کنند و هرگاه برای تمام افراد جویای کار، شغلی یافت شود، آنگاه انگیزه آنها برای بروز جرم و جنایت کاهش می یابد. نرخ بیکاری عبارت است از، جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب

در ۱۰۰ یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی هر کشوری پایین بودن نرخ بیکاری در آن است (عباسی نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

ت) فقر

تفاوت در میزان فقر و رفاه به عنوان عوامل تاثیر گذار در تنوع میزان جرم است. طرفداران برنامه های بزرگ اجتماعی بر این باور هستند، که بهبود فقر به وسیله ارتقای شرایط زندگی افراد موجب کاهش مشارکت در فعالیت های مجرمانه و کاهش میزان جرم منجر می شود (جاکوب، ۱۹۸۱). هرچند که نتایج معدودی از مطالعات به عدم وجود رابطه بین فقر و جرم یا حتی وجود رابطه منفی بین فقر و جرم دلالت دارد، اما به عقیده جرم شناسان، فقر یکی از مؤثرترین عوامل در بروز جرم است، به این ترتیب که هنگامی که فرد در شرایط سوء تغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایطی مشابه قرار گیرد، به ناچار گزینه فعالیتهای غیرقانونی ارتکاب جرم را انتخاب می کند. در ادبیات دینی ما فقر عامل تمام فسادهاست، فقر به دو صورت فقر مطلق و فقر نسبی بیان می شود؛ منظور از فقر مطلق آن نوع فقری است که فرد برای به دست آوردن حداقل نیازهای غذایی (حداقل کیلوکالری غذایی) و حداقل نیازهای بهداشتی خود درمضيقه باشد و منظور از فقر نسبی، آن نوع فقری است که فرد حداقل نیازها را داشته، اما در مقایسه با سایر افراد جامعه فقیر است.

ث) مهاجرت و اختلافات فرهنگی

مهاجرت های بی حساب و حرکت مردم از منطقه ای به منطقه دیگر یکی از عوامل مهم در به وجود آمدن جرایم می باشد، چرا که مهاجران به سختی می توانند خود را با شرایط اجتماعی جدید و فرهنگ آن منطقه سازگار نمایند. مهاجرین از طریق جا انداختن و تثبیت موقعیت خود گاهی رفتاری خلاف انتظار از خود بروز می دهند و البته این امر درباره نسل اول مهاجران اندک است و نسل های بعد که خود را در آن منطقه صاحب حق می دانند زیاده تر می باشد. در حوزه های جوامع شهری روابط اجتماعی بر اساس منافع شخصی است. نارضاحتی های شخصیتی فرد در جامعه شهری زمانی به اوج خود می رسد که تحرک و جا به جایی جمعیت افزایش و افراد در جوامع جدید خود را بیگانه و تنها احساس می

کنند و به همین دلیل فرد مهاجر در جامعه جدید دچار ناراحتی و عقده های زیادی می شود و عصبانیت و پرخاشگری وی دوچندان می شود، اما چون قادر نیست این پرخاشگری را بروز دهد و همچنان با تحقیر روبرو است، از این رو عصبانیت و پرخاشگری آرام آرام در وی تقویت می شود و به صورت برخورد و نزاع با دیگران بروز می کنند مهاجرت های بی رویه و بدون برنامه ریزی پیامدهای منفی را در پی دارد. بدین صورت که به دنبال مهاجرت به شهر، جمعیت افزایش می یابد و به موازات این امر حاشیه نشینی نیز رشد بیشتری پیدا می کند، در نتیجه محیط ناسالم و نامناسب توسعه می یابد. نخستین نتیجه مهاجرت، برخورد خرده فرهنگهای متفاوت در یک منطقه است که در بسیاری از مواقع منجر به نزاع با همدیگر و هنجارشکنی اجتماعی می شود. شرط لازم و عامل بازدارنده ارتکاب جرم نزد شخص مهاجر، پذیرش فرهنگ جامعه ای است که به آن مهاجرت کرده است (احمدی، ۱۳۸۸).

ت) سطح آموزش

همین طور که می دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات هستند. به گونه ای که هرچه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته می شود، از بعد دیگر می توان بیان کرد که هرچه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است، بالاتر رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می شود به عنوان مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرائم اینترنتی می شوند بنابراین، بطور حتم نمی توان بیان داشت که افزایش سطح آموزش علمی می تواند به کاهش میزان جرم منجر شود، بنابراین می توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم پوشانی کرد به گونه ای که با افزایش آموزشهای فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزشهای عملی می توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست همچنین به لحاظ اقتصادی می توان اذعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می برد.^۱

ح) توان پلیسی و دستگاه قضایی

عوامل دیگری نظیر توان پلیسی و دستگاه قضایی، احتمال دستگیری، میزان مجازات‌ها و مواردی مشابه می‌تواند تحت عنوان عامل بازدارندگی بیان شود و این عمل با بهره‌گیری از اطلاع‌رسانی مناسب و جلب مشارکت عمومی از طریق روابط عمومی فعال و پویا، همچنین وضع مقررات خاصی برای افرادی که در معرض بزه دیدگی هستند، نقش خود را در پیشگیری از بزه دیدگی ایفا کند و از طرفی دیگر پلیس اولین سازمانی است که بزه دیدگان برای جلب حمایت و درخواست کمک در شرایط بحرانی با آن ارتباط برقرار می‌کنند. پس طبیعی است که هر چه توان امنیتی و قضایی در جامعه‌ای بیشتر باشد، اعمال کارهای مجرمانه نیز کاهش خواهد یافت در چنین شرایطی وجود نیروهای پلیس آموزش دیده و خبره و همین‌طور ایجاد و اعمال قانون‌های روزآمد، متناسب با جرائم می‌تواند باعث کاهش جرم و اعمال مجرمانه گردد (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴).

بخش ششم: راهبردهای پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم سازوکار اجتماع محور در ایجاد احساس امنیت جمعی و پایدار است، که بدون تردید یکی از اهداف اصلی جوامع بشری برخوردار از رفاه اجتماعی و امنیت اجتماعی می‌باشد، بنابراین نیاز به امنیت از ضرورات اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود و در این راه وظایف نهادها و مؤسسات مختلف و آگاهی و همکاری افراد و جامعه نقش اساسی دارد، زیرا پیشگیری از جرم، تدابیری است که از پایه مانع از رخداد جرم شده و از ریشه با علل پیدایی بزه و جرم، مبارزه می‌کند (عشایری و تامیان، ۱۳۹۷). از دیرباز بشر برای برقراری نظم و امنیت در جامعه تلاش نموده و با توسل به شیوه‌های گوناگون از هر گونه اقدامی که نظم و امنیت را به خطر می‌اندازد، جلوگیری به عمل آورد است. مطالعه تاریخ تحولات مبارزه با بزهکاری در جوامع مختلف نشان می‌دهد، که جوامع برای پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در آن جامعه در برابر خاطیان بیشتر از همه به سلاح کیفر متوسل شده، سلاحی که در واقع در دسترس‌ترین و کم‌هزینه‌ترین ابزارها در مقایسه با اقدام‌های غیر کیفری بوده و هست، اما توسل به اقدامات کیفری و اعمال مجازات بدون توجه به عوامل فردی و اجتماعی، حتی به رغم، اعمال



مجازات های سنگین هرگز نتوانسته از میزان جرایم بکاهد، بنابر این پیشگیری از جرم ماهیت و شکل های مختلفی دارد که از یک سو تأثیرگذاری گونه های مختلف پیشگیری یکسان نیست، برخی از انواع پیشگیری ها زمینه و علل وقوع جرم را از میان می برد و برخی دیگر فرصت و امکان آن را کاهش می دهد یا دشوار می سازد (رایجیان اصل، ۱۳۸۳). از این رو پیشگیری از جرم در دو مفهوم خاص و عام یا کیفری و غیرکیفری به کار برده می شود؛ در مفهوم خاص، تدابیر پیشگیرانه ناظر بر اقداماتی است که فاقد صبغه کیفری بوده و در راستای پیشگیری جمعی از بزهکاری به کار گرفته می شود. ولی در مفهوم عام، اقدامات واجد صبغه کیفری و پیشگیری از تکرار بزه را نیز شامل می شود. اما پیشگیری در مفهوم کیفری و غیرکیفری آن دارای انواع و مصادیق متنوعی است؛ پیشگیری کیفری از طریق بازدارندگی عام و خاص، ناتوان سازی، اصلاح و تربیت و ترمیم خسارات بزه دیده حاصل می شود، این در حالی است که پیشگیری غیرکیفری نیز که شامل دو نوع وضعی و اجتماعی است، شامل طیف گسترده ای از تدابیر و اقدامات پیشگیرانه است.

بخش هفتم: نظریه های پیشگیری از جرم

بند اول: پیشگیری در مکتب تحقیقی و نظریه عقلانی بودن جرم

نظریه انتخاب عقلانی از این فرض نشأت می گیرد که بزهکار در فعالیت خود، مانند هر فرد دیگری موجودی منطقی است که برحسب فایده های که از نتیجه فعالیت مجرمانه خود انتظار دارد، انتخاب کرده و تصمیم می گیرد. بنابراین می توان گفت شخصی که مرتکب جرم می شود، به جای سرمایه گذاری در فعالیت قانونی نه به دلیل تناسب خصوصیت شخصیت یا ویژگی های انگیزشی خود، بلکه به علت فایده های که از آن عمل انتظار دارد، به سمت عمل مجرمانه می رود. در نتیجه تمام توجه او معطوف به ارزیابی مزایا و قیمت های مربوط به فعالیت جنایی است (مالمیر، ۱۳۸۸).

بند دوم: پیشگیری از نگاه جرمشناسی

براساس این نظریه جرمشناسی بین مجرم و غیر مجرم تفاوتی نیست و جرم نتیجه نوع کارکرد نظام عدالت کیفری است. در این دیدگاه، رفتار مجرمانه دیگر

محصول تأثیر نوع بافت شهری، شهرنشینی، شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه حاصل فرایند پویا میان کنش افراد با اطرافیان خود و به ویژه ضابطان و نهادهای قضایی است، به عقیده ی این جرم‌شناسان، قانونگذار با جرم‌انگاری اعمال و رفتارهایی در چارچوب قوانین کیفری و با اعمال و اجرای این قوانین در جامعه، بعضی افراد را متصف به وصف بزهکار می‌کند، بدین ترتیب، این واکنش اجتماعی علیه جرم و نهادهای مربوط به آن است که بزه و بزهکار را به وجود می‌آورد و نه علل و عوامل شخصی و محیطی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹).

بخش هشتم: بررسی و شناخت و هدف پیشگیری از جرم

هدف پیشگیری از جرم کاهش احتمال وقوع جرم در آینده است، چرا که پیشگیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور و محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می‌آید مثل پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از جرائم جوانان و پیشگیری از حوادث در جاده‌ها که پیشگیری از وقوع جرم از جهت خط‌مشی و از جهت علمی و عملی به سنت‌های فرهنگی، سیاسی و فکری جامعه بستگی دارد. به طور کلی پیشگیری به عنوان یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل و نظارت اجتماعی محسوب می‌شود. این سیاست‌ها به کلیه اقدامات و راهکاری مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و کژ رفتاری معطوف می‌باشد و لذا از این جهت یک ((سیاست پیشینی)) است که در برابر انواع مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که ((سیاست پسینی)) است قرار می‌گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به صرفه‌تر است. در مجموعه سیاست‌های پیشگیری باید سه مرحله را در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار داد:

۱- مرحله اول (پیش از وقوع جرم): در این مرحله باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه نمود و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را بر اساس آن سازماندهی کرد. برخوردار ساختن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی (امنیت اجتماعی) و استمرار آن در شرایط بحرانی، پیش‌بینی چارچوب قانونی نامناسب با تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، وضع قوانین حمایتی کودکان، خانواده‌ها، توجه ویژه به نقش

پیشگیرانه آموزش و پرورش رسمی، مدارس و مراکز آموزش عالی در قالب عناوین، محتوا و برنامه های آموزشی، تربیتی و پرورشی، ایجاد هماهنگی بین نهادهای خانواده، مدارس، اجتماع، رسانه ها و... در زمینه برنامه های پیشگیرانه از جمله اقدامات اساسی است که در مرحله پیش از وقوع جرم باید در جهت ایجاد سلامت اجتماعی انجام گیرد.

۲- مرحله دوم (وقوع جرم): سیاست های پیشگیری شکل خاصی به خود می گیرد. در این مرحله پدیده جرم و بزهکاری از منظر پیشگیری به طور جدی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. علل و عوامل شکل گیری و گسترش آن شناسایی می شوند، انواع جرائم، میزان شیوع و گستردگی آن، گسترش جغرافیایی جرم و نقشه جهانی آن ترسیم می شود و امکانات نهادهای فعال همانند پلیس و نیروی انتظامی، دادگاه ها و نهادهای قضایی، مؤسسات مشاوره و مددکاری افزایش داده می شود.

۳- مرحله سوم (مرحله پس از وقوع جرم): در این مرحله تأکید بر کشف، تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزهکاران است. آن چنان که در کتب حقوق جزا مورد اشاره قرار گرفته است، نظام های حقوقی اهدافی را برای مجازات مجرمین و بزهکاران در نظر گرفته اند که یکی از آنها را ((اصلاح)) مجرمین می دانند. مجازات و تنبیه باید نقش درمان کننده برای کجروان داشته باشد و در اصطلاح و بازگشت او به جامعه مؤثر باشد. بی تردید در این زمینه مجازات ها و بخصوص مجازات زندان نیاز به مطالعه و بازنگری در تمام ابعاد دارد و لازم است در کلیه مراحل ورود مجرم و بزهکار به زندان، سیاست ها، اقدامات و برنامه ها مورد توجه و عمل قرار گیرد. رعایت اصول اجرای مجازات ها و توجه به کرامت، عزت و جایگاه انسانی محکومان و خودداری از تحقیر و تخریب شخصیت آنان، بکارگیری انواع روشها و راهکارهای بازپروری، مشاوره درمانی، گروه درمانی، تقویت مراکز اصلاح و تربیت تقویت امکانات و تجهیزات زندانها، بکارگیری نیروهای انسانی تربیت گرا در کادرهای مختلف زندان، اجرای برنامه های آزادی مشروط و آماده سازی فرد برای از سرگیری زندگی اجتماعی، برنامه های نظارت پس از خروج از زندان، حمایت مادی و معنوی از افراد آزاد شده و... از جمله اقدامات برنامه های

حمایتی است که در راستای پیشگیری از جرم در این مرحله ارزیابی می شود. با توجه به مطالب گفته شده معلوم می شود که برنامه های پیشگیری از جرم گستره وسیعی از اقدامات و برنامه ها را در بخش های مختلف جامعه و دولت را در بر می گیرد و بر این اساس نوعی هماهنگی را بین قوای مجریه، قضاییه، مقننه از یک سو و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر در برنامه های پیشگیری از جرم ضروری می نماید (خسروشاهی، ۱۳۹۳).

نتیجه گیری

برای برخورد با پدیده جرم دو گزینه قرار دارد؛ اول رویکرد سنتی سرکوب و مجازات برای مرتکب است که این کار با شدت عمل و از طریق سیستم عدالت کیفری (پلیس و دادگاه) انجام می شود، که این رویکرد به خاطر ناتوانی در حل مشکل جرم نتوانسته کارآیی خود را نشان دهد و دوم رویکرد پیشگیری از جرم است که به دلیل آسیب شناسی مسئله و علل جرم و ارزیابی راهکارهای پیشگیرانه به بررسی جرم و تدبیری برای کاهش و حذف موقعیت های ارتکاب جرم می پردازد. پیشگیری بهتر، راحت تر و کم هزینه تر از درمان است و همه علما، به این مسئله اعتراف دارند که بیشترین توان، همت و اراده را قبل از وقوع جرم باید به کار برد، چرا که پیشگیری از جرم از راهبردهای اصلی سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه و جلوگیری از تحقق جرم همواره مورد توجه متولیان سیاست جنایی اغلب نظام های حقوقی قرار گرفته است و اهمیت این راهبرد آنچنان زیاد است، که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراقانونی یعنی در قانون اساسی ایران نیز پیشبینی و به رسمیت شناخته شده است. پس پیشگیری از جرم به اقدامات و عملکردی گفته می شود که از یک سو به شناسایی علل جرم و از طرفی دیگر با تاثیرگذاری بر آن علل، قصد جلوگیری یا کاهش جرم را در آینده دارد.

• پیشنهادات

- افزایش برنامه های رسانه های جمعی در زمینه ی پیشگیری از جرم.
- سازمان های مردم نهاد به منظور بازپذیری اجتماعی بزهکاران باید فعال شوند تا از قابلیت نهادهای مردمی برای جلوگیری از تکرار مجدد جرم استفاده شود.



- لزوم ایجاد و تسهیل ایجاد نهادهای مردمی در راستای همکاری در جهت پیشگیری از وقوع جرم.
- بستر سازی لازم برای حضور بخش خصوصی در حوزه پیشگیری از جرم مانند پلیس افتخاری، نگهبان محله، پارک بان ها و ...
- با عنایت به اینکه برخی از مجرمین از خانواده های ازهم گسیخته آمده اند، بنابراین؛ پیشنهاد می گردد، سازمان های مسئول امور حمایتی ازجمله سازمان بهزیستی، کودکان در معرض خطر ارتکاب جرم را شناسایی و برنامه های پیشگیرانه ای برای این دسته از افراد پیش بینی و اجرا نمایند.
- تشویق به ایجاد کانون های مردمی پیشگیری از وقوع جرم با محوریت جوانان.
- با عنایت به اهمیت پیشگیری از جرم، پیشنهاد می شود در کتب حقوقی کیفری و قانونی بیشتر به آن پرداخته شود.

منابع و ماخذ

الف) منابع فارسی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مجازات اسلامی
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳)، جرم شناسی پیشگیری. جلد اول، چاپ سوم، میزان، تهران.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۸)، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
- اسماعیلی، مهدی و همکاران (۱۳۹۸)، مبانی پیشگیری از جرم در قانون اساسی ایران، فصلنامه علمی تحقیقاتی حقوق بین المللی، دوره دوازدهم، شماره ۴۶.
- اکبری، لیلا (۱۳۸۰)، بررسی شیوه های پیشگیری از بزهکاری کودکان ونوجوانان در قواعد و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بختیاری، مهرداد (۱۳۹۷)، تحلیل مقایسه ای تاثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در کشور های عضو سازمان همکاری های اسلامی وکشور های عضو سازمان همکاری وتوسعه اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش عالی رجا.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، رساله جرم و مجازاتها: ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران.
- بهرمند، میثم (۱۳۹۸)، رابطه اختلالات روانی با بزهکاری و ارتکاب جرم، فصل نامه بین المللی قانون یار، دوره سوم، شماره ۱۰.
- توسلی، محمد حسن، صادقی، محمد امین، (۱۳۹۴)، آموزه های اسلامی پیشگیری از جرم، مجله بصیرت وتربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۲.
- جانی پور، مجتبی و لادمخی، معصومه (۱۳۹۳)، مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین الملل، فصلنامه پژوهش های

- حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، ص ۱۳۷-۱۶۴.
- جمشیدی اونکی، معصومه (۱۳۹۱)، خودکنترلی و پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزادواحد تهران مرکزی.
- حاتمیان، پیمان و رسول زاده طرباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۸) عوارض سوءمصرف مواد روانگردان بر تنظیم هیجان و شناخت، نشر آزمون یار پویا، چاپ اول، تهران.
- حسینی، سید حسین، صفری، صادق (۱۳۹۴)، نقش جنسیت در ارتکاب و پیشگیری از جرایم، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم شماره ۱۱.
- خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۳)، مراحل سه گانه پیشگیری از جرم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)، رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.
- رجبی تاج امیر، ابراهیم، چاووشی محمدصادق (۱۳۹۷)، تحولات نهاد اقدامات تامینی تربیتی، تحقیقات حقوق تطبیقی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- رحیمی، محمد مهدی، بیدخام، فرشته (۱۳۹۰)، تیپ های بدنی و جرم، مقالات حقوقی موسسه جهاد اندیشه، مجله حقوقدان جوان.
- رشادتی، جعفر (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم در قرآن، نشر دفتر تحقیقات کاربردی.
- ساریخانی، هادی، سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵)، نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴.
- شکر کن، حسین، نیسی، عبدالکاظم، و سپه وند، اسفندیار (۱۳۸۸) مقایسه ی هیجان خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی اقتصادی در نوجوانان پسر بزهکار و عادی، مجله دست آورد های علوم تربیتی و روان شناختی.
- صناعی، محمود (۱۳۴۱)، تحقیق در شخصیت مجرم و عوامل موثر در جرم و جنایت، شماره ۴، صفحه ۱۵۵-۱۶۴.



- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۸)، سؤمصرف مواد مخدر در نوجوانان: مفاهیم، نظریه ها و پیشگیری، دفتر اجرایی پیشگیری از سؤمصرف مواد مخدر، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات تربیت، تهران.
- عباسی نژاد، حسین و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین بیکار و جرم در ایران، فصلنامه پژوهش های و سیاست های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۴.
- عشایری، طاها، نامیان، فاطمه (۱۳۹۷)، فراتحلیل عوامل موثر بر پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه پژوهش های مدیریت انتظامی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۳)، مدیریت پیشگیری از جرم، فصلنامه سیاست راهبردی و کلان، شماره ۸.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تصحیح فرهاد قربان زاده، تهران، نشر آشجع.
- غضنفری، هنگامه، قاسمی کیا، محمد مهدی (۱۳۹۴)، تاثیر پیشگیری غیر کیفری بر میزان احساس امنیت در میان جوانان، پژوهش های راهبردی امنیت، سال چهارم، شماره اول.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۶)، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، نشر میزان، تهران.
- گنجی، حمزه (۱۳۹۴)، بهداشت روانی، انتشارات ارسباران، تهران.
- المیر، مهدی (۱۳۸۸) مروری بر نظریه های جرمشناسی پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴.
- موذن زادگان، حسنعلی، نوروزی، سمیه (۱۳۹۵)، علل و عوامل ارتکاب جرم منازعه و راه های پیشگیری از آن تحقیق تطبیقی ایران و بین الملل، سال دهم، شماره ۳۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی (۱۳۹۲)، تقریرات درس جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره کارشناسی ارشد، ص ۱-۱۴۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹) رویکرد جرمشناختی قانون حقوق



- شهروندی، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروند، تهران.
- نیازپور، امیر حسین (۱۳۹۳)، اساسی زازی حقوق پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷) بزه کاری به عادت از علت شناسی تا پیشگیری، فکرسازان، چاپ نخست، تهران.

ب) منابع لاتین

- Jacob, mincer (۱۹۸۱), *Investment in human capital and personal Income, distribution*”. the journal of political economy .
- Oniel, l. j (۲۰۰۶) *managing anger, washington d. c, ghon willy & stons* .
- Reilly, T. F. , Wheeler, L. J. , & Etlinger, L. E. (۱۹۸۵). *Intelligence versus Academic Achievement. A comparison of Juvenile Delinquents and Special Education Classifications, Criminal Justice and Behavior*, Vol. pp ۱۹۳-۲۰۸
- Siegel, L. J. , & Welsh, B. C. (۲۰۱۴). *Juvenile delinquency: Theory, practice, and law*, Cengage Learning .